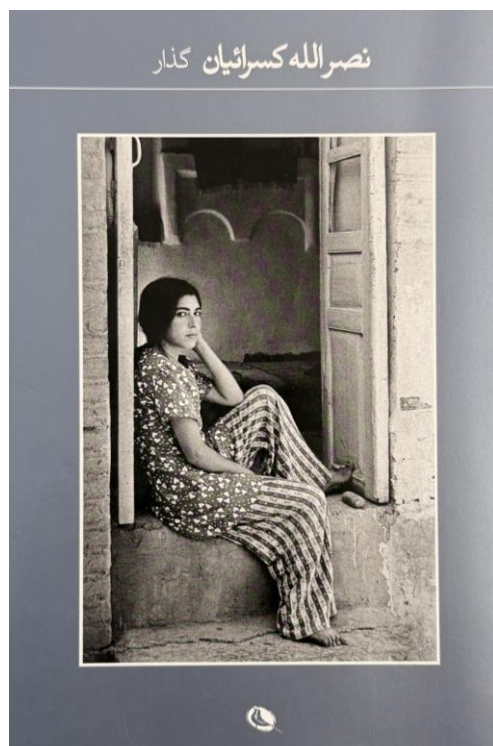


## نقد ساختارگرایانه کتاب «گذار» اثر نصرالله کسرائیان



نصرالله کسرائیان، متولد ۱۳۲۳ در خرم‌آباد، از برجسته‌ترین عکاسان مستند اجتماعی و مردم‌نگار ایران است. او در سال ۱۳۴۷ در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد؛ زمینه‌ای که به‌نظر می‌رسد در شکل‌گیری نگاه دقیق، ساختارمند و تحلیل‌گر او به جامعه نقش مهمی داشته است. کسرائیان بیش از پنج دهه از عمر حرفه‌ای خود را صرف ثبت زندگی، فرهنگ و زیست‌بوم اقوام گوناگون ایران کرده و در این مسیر، تصویری عمیق از جامعه ایرانی ارائه داده است.

کتاب گذار مجموعه‌ای از عکس‌های مستند سیاه‌وسفید نصرالله کسرائیان است که بازه‌ای از سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۹ را در بر

می‌گیرد. این کتاب نخستین‌بار در سال ۱۳۹۷ توسط مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر و با تیراژ ۱۵۰۰ نسخه منتشر شد. از نظر شکل‌گیری، این پروژه ابتدا در سال ۱۳۶۰ با عنوان زندگی و در قالبی محدود منتشر شده بود، اما کسرائیان بعدها با افزودن تصاویر تازه، نسخه نهایی آن را با نام گذار عرضه کرد.

کتاب گذار فارغ از نگاه تک‌عکس‌محور به عنوان یک کلیت انسجام‌یافته معنا می‌یابد؛ به صورتی که عکس‌ها در کنار یکدیگر یک نظام زبان‌شناختی معنادار را می‌سازند. کسرائیان با بازخوانی آرشیو عکس‌های سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۹، چیدمانی از نشانه‌ها را تدوین کرده که روایتی از تحول جامعه ایران ارائه می‌دهد. عکس‌ها ثبت بی‌طرفانه واقعیت نیستند، بلکه فرم، کادربندی و انتخاب زاویه دید، یک بازنمایی از جامعه در حال نوسازی ساخته است. در این نظام، موضوع اصلی کتاب صرفاً فضاهای روستایی یا سوژه‌ها نیستند، بلکه مناسبات درونی میان عناصر، تغییرات زیست‌بوم‌ها و نمایش جریان تغییر و تحول در سیر تاریخ اجتماعی و فرهنگی است.

عکس روی جلد کتاب نشانه ای از ساختار کل این مجموعه است. در این تصویر، زنی با پوشش بومی در آستانه و درگاه یک خانه قدیمی نشسته است. فضای درون خانه که تاریک، محصور و مبهم است، نماد زیست گذشته به شمار می‌رود؛ در حالی که فضای بیرون که روشن، باز و نادیده است، دلالت بر جهان در حال تغییر و عدم قطعیت آینده دارد. زن دقیقاً بر روی لبه درگاه جای گرفته است؛ مرزی که دو جهان متضاد را به هم وصل می‌کند. از دید من قرار گرفتن سوژه در این نقطه تجسم بصری خود مفهوم «گذار» است. حالت دست سوژه و نگاه او به بیرونی ناپیدا نیز نشانی از تعلیق، انتظار و تردید انسان ایرانی در آستانه گسست از سنت و مواجهه با نوسازی است. در این مجموعه کسریانی خود شخصیت اصلی داستان نیست، اما با فاصله‌ای بسیار نزدیک در مرکز جهان سوژه‌ها حضور دارد. انتخاب نماهای متوسط بدون جدا کردن سوژه‌ها از بافت زیست‌بومشان، باعث می‌شود رابطه میان انسان و محیط همواره حفظ شود.

پرتره کسریانی در پشت جلد کتاب در حالت تفکر نیز موضع روایی او را نه به عنوان یک ثبت‌کننده مکانیکی و بی‌طرف، بلکه به عنوان یک مؤلف و تحلیل‌گر اجتماعی تثبیت می‌کند؛ راوی آگاهی که آرشیو خود را تدوین کرده تا روایتی از تحول جامعه ایران ارائه دهد.

از دید من، مجموعه گذار از نظر ایده، رویکرد و عملکرد شباهت بنیادی و عمیقی با پروژه تاریخی FSA در دهه ۱۹۳۰ دارد. در پروژه FSA، عکاسانی چون دوروتیا لانگ و واکر اونز سوژه‌ها را از بافت زیست‌بومشان جدا نمی‌کردند، بلکه کادربندی‌ها به گونه‌ای بود که رابطه میان انسان، فقر و محیط را بازنمایی کند. کسریانی نیز دقیقاً از همین الگو بهره می‌برد؛ او سوژه ایرانی را نه به عنوان یک عنصر منفرد، بلکه در میان سنت، کار و هجوم نشانه‌های نوسازی بازنمایی می‌کند. در واقع در هر دو پروژه، عکس‌ها به نشانه‌های تصویری تبدیل می‌شوند که معنای آن‌ها نه فقط یک فرد یا مکان مشخص، بلکه مفهوم گذار و بحران در یک جامعه است.

از دیگر منظر همان‌طور که در FSA آرشیو تصاویر بر اساس یک ایده و مفهوم کلی هدایت می‌شد، کسریانی نیز با بازخوانی و تدوین مجدد آرشیو سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۹ در قالب کتاب گذار، دست به ایجاد یک نظام زبان‌شناختی مستقل زده است. در این‌جا آرشیو از قالب یک انبار تصاویر تاریخی خارج شده و در قالب یک مجموعه ناگسستنی عمل کرده؛ مجموعه‌ای که در آن، هر عکس تنها در مجاورت و تقابل با عکس‌های دیگر به معنای نهایی خود دست می‌یابد.

این ساختار و ارتباط تصاویر را می‌توان در نحوه آغاز و پایان مجموعه ی گذار نیز مشاهده کرد. گذار با تصویری آغاز می‌شود که در آن انسان به‌طور مستقیم حضور ندارد و در پایان، با تصویری از کودکی به پایان می‌رسد که در برابر فضای شهری با بادکنکی در دست ایستاده است. کودک در اینجا نه صرفاً یک سوژه انسانی بلکه می‌تواند نشانه‌ای از نسل آینده و جامعه‌ای باشد که در حال ورود به شرایطی متفاوت است. در مقابل، فضای شهری پشت سر او، نشانه‌ای از جهانی است که در جریان تغییرات اجتماعی و نوسازی شکل گرفته. از این منظر، رابطه میان تصویر آغازین و پایانی، ساختاری از «غیاب انسان» تا «حضور انسان آینده» را شکل می‌دهد؛ گویی کتاب مسیری را طی می‌کند که در آن تحولات اجتماعی و فرهنگی ثبت‌شده در طول مجموعه، در نهایت به نسل جدید و آینده جامعه ختم می‌شود. کودک تصویر پایانی در عین حال که به آینده اشاره دارد، همچنان در برابر جهانی قرار گرفته که نتیجه همان فرایند تغییر و تحولی است که مجموعه در طول مسیر خود دنبال کرده است.

بنابراین، تصویر پایانی را می‌توان نه به‌عنوان نقطه پایان این فرایند، بلکه به عنوان ادامه آن در نظر گرفت. با این دیدگاه گذار ساختاری بسته و دارای مقصد نهایی نیست؛ بلکه فرایندی است که از گذشته آغاز شده، از خلال تحولات اجتماعی و فرهنگی عبور کرده و اکنون خود را در برابر نسل جدید و آینده جامعه قرار می‌دهد. از همین رو، قرار گرفتن تصویر کودک در پایان کتاب، مفهوم گذار را از یک رخداد تاریخی مشخص فراتر می‌برد و آن را به فرایندی مستمر در تجربه اجتماعی یک جامعه تبدیل می‌کند.